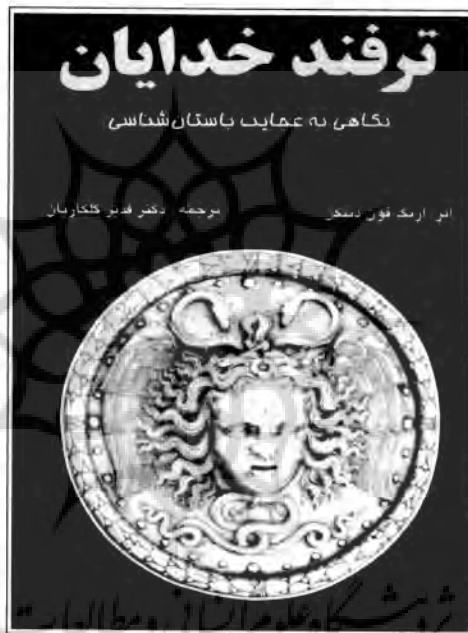


ترفند خدایان «نگاهی به عجایب باستان شناسی»

○ دکتر مسعود ناجی



- ترفند خدایان «نگاهی به عجایب باستان شناسی»
- اریک فون دنیکن
- مترجم: قدیر گلکاریان
- تبریز: تلاش، ۱۳۷۸
- ۲۰۰ ص، ۳۰۰ نسخه، ۷۵۰۰ ریال

ترفند خدایان اثر اریک فون دنیکن باستان شناس برجسته که در ۱۴ آوریل ۱۹۳۵ در شهر زوخینگن سوئد بدنیا آمده و در سوئیس بزرگ شده است. او اولین اثر خود را به نام ارباب خدایان در سال ۱۹۶۷ (یعنی در سن ۳۲ سالگی) تألیف نموده است که باین اثر و اثر بعدی خود طلای خدایان به شهرت زیادی رسید. ترفند خدایان ترجمه دکتر قدیر گلکاریان است که بعضی از تالیفات دیگر دنیکن را نیز ترجمه کرده است از جمله نگرانی خدایان و سیاست خدایان (یاهشتمین اجوبه جهان).

در این اثر جدید دنیکن همانند اکثر آثار خود کوشش نموده است حقایق تاریخی‌ای را که خود یا دیگر محققین و باستان شناسان کشف کرده‌اند و فرضیه‌هایی که برای پیدایش آنها داشته‌اند بیان کند. او معتقد است ما در مورد تحولات تمدنهای گذشته دچار خطا و اشتباه شده‌ایم. در کتاب ترجمه شده می‌خوانیم: «به راستی انسانهای دوره سنگی یا به عبارتی عصر حجر انسانهای بسیار عجیبی بوده‌اند. به طوری که در کتاب اسرار عصر حجر ذکر کرده‌ام، انسانهای آن دوره بسیار با نبوغ‌تر از آن حدی بوده‌اند که ما تصور کرده‌ایم.» دنیکن معتقد است ما می‌بایست در دل کوهها و جنگلها

و حتی در اعماق دریاها به دنبال آثار گذشتگان خود باشیم تا هویت اصلی ما آشکار گردد. به همین دلیل دنیکن خود را موظف به کشف و بررسی آثار باستانی می‌داند تا حلقه گمشده تکامل انسان را به‌هم‌زدایی کند. او پس از بررسی تعدادی از مگالیت‌های عصر حجر - سنگهای یکدست که برای ساختن مزار بکار برده می‌شود - می‌گوید: «اگر انسانهای عصر حجر دارای دانش و علوم بوده‌اند، پس چرا ما آنها را فاقد علم و دانش دانسته‌ایم، و آیا شایسته نخواهد بود که در جای جای جهان به دنبال ردیابی دیگری از آنها باشیم.»

دنیکن به شدت از مطالبی که در مورد انسانهای ماقبل تاریخ در کتب درسی نوشته شده است انتقاد کرده است، به طور مثال می‌گوید: «طبق بررسیها و تحقیقات پروفیسور دکتر رولف مولر مشخص شده است که انسانهای عصر حجر هر کاری را که انجام می‌داده‌اند و یا اقدام به‌ساخت و یا احداث آن می‌کرده‌اند، همیشه مسایل نجومی را در نظر گرفته و سعی می‌کرده‌اند آنچه را که پدید آورده‌اند مطابق سمت‌های حقیقی و قطبین باشد. در حالی که ما در مدارس به دانش‌آموزان آقا می‌کنیم که انسانهای عصر حجر انسانهایی فاقد علم و

دانش بوده و به خاطر عدم شناخت به مسایل و رخدادهای اطراف خویش مدام در بیم و هراس بودند و جایی را بهتر از درون غارها برای پناه بردن خود نداشتند.

در کتابهای تاریخ گذشتگان می‌خوانیم که انسانهای عصر حجر انسانهایی بوده‌اند که تازه به جرقه و آتش پی برده و هنوز کاربرد صحیح آن را نمی‌دانسته‌اند... من نمی‌دانم داده‌های علمی در کتب مدارس چگونه این مطالب را با توجه به روشن شدن حقایق تاریخی هنوز هم به خورد دانش‌آموزان می‌دهند؟ آیا ما ادعای بیشتری داریم یا اینکه مؤلفین و ناشران کتابهای درسی در مدارس از حقایق بدست‌آمده در عصر حاضر به توسط دانشمندان بی‌اطلاع هستند؟»

هدف دیگری که دنیکن در اکثر تالیفات خود به دنبال آن بوده است و در سرتاسر این کتاب نیز مشهود است ارتباط این دانش انسانهای عصر حجر با موجودات فضایی است زیرا به عقیده دنیکن آنها امکاناتی برای دست یافتن به این دانش را نداشته‌اند.

از نظر نگارنده این سطور، دنیکن نقش موجودات فضایی را در افزایش دانش انسانهای نخستین بیشتر از حس ششم و پیامبران الهی که از ابتدای خلقت انسان حضور داشته‌اند در نظر گرفته است و در موشکافی‌های خود بیشتر نظر دانشمندان را مطرح کرده است که باین فرضیه همخوانی داشته است. مترجم در مقدمه خود درباره این هدف دنیکن چنین می‌نویسد: «مهمترین بحثی که در این اثر با آن مواجه خواهیم شد کنکاش در اعتقادات انسانی دانش انسانهای نخستین - در رابطه با قدرتهای خارق‌العاده یا انسانهای فضایی است. گرچه او چنین موضوعی را به طور حاشیه‌ای و نامنسجم بیان می‌دارد اما اصل و جان کلام او را در این اثر همین مقوله در برگرفته است.»

کتاب در سه بخش تألیف شده که بخش اول آن آینده‌نگر، بخش دوم آن گذشته‌نگر و بخش سوم آن فرضیه‌های مبدا خلقت و نتیجه از کل مطالب کتاب است. در ابتدای بخش اول دنیکن از کشف یک جمجمه جراحی شده در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد خبر می‌دهد و نتیجه می‌گیرد چون با علم و وسایل آن زمان جراحی مغز بیش از ۳ دقیقه امکان‌پذیر نبوده و به تازگی امکان جراحی طولانی مدت مغز فراهم شده است پس انسانهای چهار هزار سال پیش این دانش فراوان در جراحی را از موجودات فضایی کسب کرده‌اند. البته دنیکن می‌توانست فرضیه‌های دیگری را نیز مد نظر قرار دهد، شاید کارهای جادوگرانه و یا اعمال شفا بخش روحی بر روی این جمجمه یا سایر جمجمه‌های عصر حجری انجام شده باشد. به هر حال مؤلف پس از آن به تحقیقات چندین محقق اشاره می‌کند و به طرز جالبی گام به گام به این مسئله می‌رسد که می‌توان با فن‌آوری جدید جراحی مغز و تلفیق آن با کامپیوتر مشکل قدیمی ارتباط با موجودات فضایی را حل کرد. وی سپس علت پرتاب سفینه بدون سرنشین پایونیر را که به مدت ۱۰۰ سال از ۱۹۷۳ به فضا پرتاب شده است عنوان می‌کند و نکات جالبی را در مورد آن یادآوری می‌کند، از جمله این که این سفینه ۳۰۰ کیلوگرمی با سرعت ۵۲۰۰۰ کیلومتر در ساعت در طی ۱۰۰ سال عمر نیروی اتمی خود می‌تواند ۳۰۰۰ سال نوری مسافت را طی نماید.

در قسمت بعدی این بخش دنیکن به تفکر متردانه خود در کتاب ارباب خدایان اشاره می‌کند و به واقعیت پیوستن آنرا از نظر فیزیکدانان و اخترشناسان امروزی دلیلی بر امکان رسیدن انسان به سیارات دیگر می‌داند.

دنیکن در این کتاب برخلاف گفته انیشتین در مورد اینکه سرعت حرکت هیچ چیزی به اندازه نور سریع نیست گفته



استفاده نموده است، از جمله کارل ساگان^۱ فیزیکدان و اگنو بیولوژیست (زیست‌شناس خارج از زمین)^۲. این موضوع یکی از نقاط قوت کتاب می‌باشد، ولی همانطور که توضیح داده شد اریک بیشتر نظر دانشمندی را مطرح کرده است که با عقاید و فرضیه اوهمخوانی داشته و یا حداقل غیر هماهنگ با نظر او نیست. بطور مثال او در مورد تصاویر عجیب و غریب کشیده شده توسط انسانهای عصر حجر چنین می‌نویسد (صفحه ۴۷): «برخی از افراد ادعا دارند این نوع اشکال، تصویری نمادین از خیالات مردمان گذشته است. بعبارتی روشنتر آنها می‌گویند انسانهای گذشته چون به درایت و آگاهی کامل آنچه را که دیده و شنیده بودند، درنیافته و تشخیص نداده بودند لذا آنچه را که تصور نموده بودند با کمک خیال خود به آنها دامن زده و اغراق آمیزانه نمونه‌های موجود را خلق کرده‌اند.» «این گونه افراد ادعا دارند انسانهای گذشته از روی ندانم کاری و عدم رشد فکری کامل و شناخت به موارد مختلف طبیعی، هر چه را که قدرتمندتر از خود دیده بودند، آن را مانند انسان عاقل و مانند برخی از حیوانات نیرومندتر تصور کرده‌اند. آنان ادعا دارند که برجستگی‌های روی دیوار غارها نمونه‌ای از تصاویر افسانه‌ای است نه تصویری از انسانهای فضایی. اگر به راستی فرض کنیم انسانهای گذشته از روی ندانم‌کاری و یا غافل بودن از حقایق چنان حیواناتی را به تصویر کشیده‌اند که نیمی از بدنشان انسان و نیمی دیگر حیوان بوده است پس چرا آنها را به اشکالی از حیواناتی درآورده‌اند که اصلا در روی زمین وجود نداشته‌اند؟»

در جواب به این سؤال می‌توان گفت خیلی از نقاشان و نویسندگان داستانهای علمی تخیلی و سازندگان فیلمهای ترسناک یا فانتزی آثاری را خلق می‌کنند که بهیچوجه وجود خارجی ندارد و از این کار خود بسیار لذت می‌برند خوانندگان و بینندگان این داستانها و فیلمها هم لذت می‌برند و نمی‌توان طرز فکر آنها را در خلق یا دوست داشتن این آثار، به انسانهای فضایی نسبت داد. دلیل دومی که به نظر می‌رسد اینست که شاید کشیدن این تصاویر خیالی در بعضی نقش‌تراشان عصر حجری نوعی مکانیسم دفاعی روانی برای مقابله با ترسی بوده که در آن زمان از تاریکی و صداهای عجیب و غریب و پدیده‌های ناآشنای اطراف خود داشته‌اند و بدینوسیله خود را از هرگونه اتفاق

سال اخیر قرار گرفته است توضیح می‌دهد. او برای مطالعه بیشتر در این زمینه کتابی با عنوان «باستانشناسی و شیمی و نگاهی به گذشته»^۳ نوشته پروفیسور جوزف رایدنر^۴ را معرفی می‌نماید. دنیکن در مورد این اثر چنین می‌گوید: «بسیاری از محققین و باستانشناسان با تکیه بر اندوخته‌ها و تجربیات این دانشمند شهر به نتایج سودمندی رسیده و از سردرگمی در تخمین تاریخهای آثار دیرینه نجات یافته‌اند.»

دنیکن در اواخر این بخش عقاید خود را در ۱۶ بند خلاصه می‌کند و سپس راز هزیتل نی را یادآور می‌شود که در کتاب اربابه خدایان نیز به آن اشاره کرده بود. بخش سوم با این سؤال شروع می‌شود، کائنات را چه کسی و یا چه چیزی خلق کرده است؟ دنیکن در این بخش ابتدا فرضیه زاکس^۵ را مطرح می‌کند و آنرا «نظریه خدایان» می‌داند و می‌نویسد: «موتور در کتاب تصادف و اجبار، حیات و راز خلقت و کائنات را به ماده مرتبط دانسته و چنان در ادعاهای خود پیش رفت و با لجاجت سعی در بیان و ترتیب‌بندی دلایل نمود که حتی افراد بی‌دین و بی‌اعتقاد به خداوند نیز از ادعاهای او به حیرت افتادند.»

دنیکن این مسئله را عنوان می‌کند که اگر اظهار نمود بی‌اعتقاد درست باشد باز سؤال مهمتری ذهن ما را مشغول می‌کند و آن اینکه موادی که هستی را خلق کرده‌اند خود چگونه پدید آمده‌اند و چه نیرویی آنها را خلق کرده است؟ پس از آن فرضیه‌هایی که درست‌تر به نظر می‌رسند توضیح داده می‌شود و در انتهای این بخش دنیکن با تیرتهایی همچون پس حقیقت چه می‌تواند باشد؟ و اصل کلام و نتیجه نهایی از مطالب کتاب خود را بیان می‌کند. از نظر دنیکن تمدنهای قدیمی در واقع نمادهایی از حضور انسانهای فضایی است و دلیل این همه خدایان متفاوت با اکتشافات بعدی از کائنات بی‌انتهای مشخص خواهد شد و این مسئله روشن می‌شود که این خدایان از کجا آمده‌اند. با این توضیح علت نامگذاری این کتاب و سایر تالیفات دنیکن با لفظ خدایان مشخص می‌شود. در صفحه ۱۳۲ بخش دوم کتاب این چنین می‌خوانیم: «به خاطر اینکه موجودات آمده از فضا دارای امکانات ویژه‌ای بوده‌اند، مردمان گذشته آنها را خدایان خود تصور می‌کرده‌اند.»

اریک در این کتاب از تحقیقات زیادی از دانشمندان و محققین برجسته که بعضی از آنها شهرت جهانی دارند

بود شاید پدیده‌ای سریعتر از نور وجود داشته‌باشد. استدلال دنیکن این بوده است که چون در فیزیک محدودیتی برای مقدار انرژی وجود ندارد پس برای سرعت انرژی هم نمی‌توان محدودیتی قائل شده در این قسمت فرضیه یکی از فیزیکدانان معاصر مطرح می‌شود که هر جسم مادی را متشکل از سه نوع ذره تاردیون^۶، لوکسون^۷ و تکیون^۸ (تاکسیون یا تاشیون) می‌داند. در این فرضیه ذرات تاردیون کمتر از سرعت نور، ذرات لوکسون مساوی سرعت نور و ذرات تکیون سرعتی بالاتر از سرعت نور دارند ولی در کتاب ترفند خدایان در مورد این سه ذره اینطور نوشته شده است: «با کشف بخشهای کوچک از اتم به نامهای تاشیون، لوکسون و تاردیون در دنیای فیزیک، صفحه‌های نوین باز شد. تمامی این بخشهای کوچک و منقسم شده از اتم در درون سیستم اینرشیال خود بیش از سرعت نور دارای سرعت هستند.»

از نظر دنیکن، فنون در حال پیشرفت سریع کنونی، چیزی را برای انسان حاضر توام با ابهام نگذاشته است. به همین دلیل در قسمت بعدی قسمتی از معجزات حضرت موسی را با توجه به علم امروزی تفسیر می‌نماید.

در قسمت دیگری دنیکن با اثبات علم هوانوردی به وسیله شواهد تاریخی در آن زمان، دوستان و همکاران مدرس خود را در دانشکده‌های باستانشناسی دعوت به تحقیق و اربابه فرضیات لازم در مورد این شواهد می‌کند. در قسمتهای آخر این بخش عجایبی به طور پراکنده از گوشه و کنار جهان نوشته شده که خواندنی است.

در بخش دوم حقایق تاریخی متنوعی از اقصی نقاط دنیا جمع‌آوری شده است که به چند نمونه آن در زیر اشاره می‌شود. رصدخانه، معادن، نقاشیهای عجیب و سنگ مزارها یا مگالیتهایی که در اکثر مناطق دنیا کشف شده‌اند. کاسه و گلدان، توصیف شهرهای بسیار قدیمی، حقیقتی در سرزمین ایران، شباهتهای کلامی بین اینکاها با چاووشها (قومی از ترکان تاتار)، توصیف شهری کشف شده در زیر آب، توصیف نمونه‌ای از معابد سنگی در هند، نام بعضی از شهرهای زیرزمینی، توصیف شهرهای به هم مرتبط با جاده‌های سنگ‌فرش شده یا با راههای زیرزمینی.

دنیکن در این بخش از آزمایش کرین ۱۴ برای اندازه‌گیری قدمت تاریخی آثار باستانی انتقاد می‌کند و روشهای جدیدی را که مورد استفاده دیرینه شناسان در چند



سوزه‌های خود را در موقعیتهای فرا تجربی قرار دهند بدون آنکه خواننده رویه علمی و تحقیقی خود را از دست بدهد. نویسندگان این داستانها سعی می‌کنند مدت بیشتری روحیه علمی خوانندگانشان را حفظ نمایند و با حفظ این روحیه علم راه اوج مبهوت‌کنندگی و هیجان خود برسانند. ولی دنیکن خواننده را در موقعیتهای غیر واقعی و فراتجربی قرار نمی‌دهد و در عین حال تالیفات او همان هیجان و مبهوت‌کنندگی داستانهای علمی تخیلی را دارد. هیجان مطالب او همه بخاطر واقعیهایی است که او و یا سایر محققین و کاشفان دیرینه‌شناس و باستانشناس در اقصی نقاط کره زمین کشف کرده‌اند به همین جهت در تیزترهایی که دنیکن برای مطالب خود انتخاب می‌کند از کلماتی همچون راز و حقیقت زیاد استفاده کرده است.

انسانهای هم عصر اوساده‌تر خواهد بود، حال می‌خواهد انسانهای نخستین باشد یا انسانهای امروزی. اصل زاک مارتین فراروانشناس معروف که برای انسانهای هر عصر متفاوت است نیز می‌تواند با دو فرضیه بالا جمع شود. به اعتقاد زاک مارتین چون انسانهای نخستین استعدادهای روحی بسیار قویتری نسبت به انسانهای امروزی داشته‌اند دریافت افکار دیگران از طریق الهام یا تله‌پاتی بوسیله آنها امری طبیعی و عادی است.^{۱۳} بهر حال اریک فون دنیکن وجود داشتن سایر نظریات و فرضیات را در این مورد انکار نمی‌کند و بلافاصله پس از ارائه نظر توبیش چنین می‌نویسد: «دنیای ما و خود انسان، موجودی ناشناخته است که انسان با نگرش در آن ناخواسته به دنبال هر احتمال و نظریه‌ای می‌رود تا به هدف برسد. حال کدامین این نظریات قریب به یقین هستند، معلوم خواهد شد.» (صفحه ۷۸)

و یا در جای دیگر می‌نویسد: «در کشف اسرار ناشناخته و مسایل علمی باید از هر دری وارد شد و از هر فرضیه و نظری استفاده کرد و بر روی آنها اندیشید تا به نتیجه رسید.»

و یا در جای دیگری می‌گوید: «من ادعا نمی‌کنم که آنچه مطرح کرده‌ام حقیقت محض است، زیرا به این اصل ایمان دارم که اشتباه تنها مختص انسانهاست.»

از محاسن کتاب این است که ۳۵ صفحه آخر آن به تصاویر با ارزشی اختصاص یافته که با مطالب نوشته شده در آن رابطه تنگاتنگی دارد ولی از معایب کتاب این است که هیچگونه ارجاعی به تصاویر از طرف مؤلف و یا مترجم در طول کتاب نوشته نشده است. در صورتی که اگر تصاویر بوسیله مؤلف یا مترجم شماره‌گذاری و در جای مربوطه در متن نوشته می‌شد درک آن موضوع برای خوانندگان ساده‌تر و جذابتر بود.

از محاسن دیگر که از نظر نگارنده حسن بزرگی محسوب می‌شود این است که مطالب آن را می‌توان با معیارهای علمی سنجید و با داستانهای علمی تخیلی که با معیارهای هنری مورد قضاوت قرار می‌گیرند متفاوت است.^{۱۴} تالیفات دنیکن از جهت دیگری نیز با داستانهای علمی تخیلی تفاوت دارد، از این جهت که نویسندگان این داستانها بیشتر قصد دارند بوسیله پیشرفتهای علمی روز

ناخوشایند ناگهانی در اطرافشان بخصوص در شبها واکسینه می‌کردند. رهایی از یکتاوتختی زندگی و تنوع‌طلبی و یا احساس هنرنمایی و تبادل اطلاعات بیشتر و سریعتر بوسیله این تصاویر دلایل دیگری در عجیب و غریب شدن این اشکال می‌تواند باشد.

البته نگارنده به هیچوجه قصد غلط پنداشتن فرضیه دنیکن را ندارم بلکه بیشتر منظور این است که دنیکن از نقد و بررسی سایر فرضیه‌ها خودداری کرده است. به طور مثال در صفحه ۷۷ نظر اسوالد توبیش^{۱۵} را در مورد علت مشترک بودن مفاهیم و مضامین تصاویر کشیده شده در غارها یا تصاویر پتروگلیف^{۱۶} در اقصی نقاط جهان، اینطور بیان می‌کند:

«من عقیده دارم این همه دانش یکسان حاصل تجربیات نمی‌تواند باشد بلکه نقطه الهامی وجود داشته که انسانها راه‌دایت کرده و آنچه را نمی‌دانسته، به او ابلاغ کرده است. شاید خدایان انسانهای قدیمی، مهمانان دنیاهای خارج بودند که اشارات آنها در اساطیر اقوام قدیمی مضبوط است.» در صورتی که خود اسوالد توبیش معتقد است از تجربیات زیگموند فروید در ساختار روحی انسان و نظریات کارل گوستاو یونگ در رابطه با اشکال و زندگی انسانهای قدیمی استفاده کرده است اما دنیکن نظریونگ را در این مورد بیان نمی‌کند که علت این شباهت‌ها در مفاهیم و سمبولهای تصاویر پتروگلیف را روان‌ناخودآگاه جمعی می‌داند. یونگ با مطرح کردن اصل همزمانی امکان دریافت بسیاری از مفاهیم و تصاویر ولغات و حتی حقایق موجود در طبیعت را در یک زمان در چند مکان مختلف بوسیله روان‌ناخودآگاه چند نفر به خصوص اگر امکانات تجربی یکسانی داشته باشند امری ممکن می‌داند. اصل همزمانی برای تمام انسانهای معاصر و یا عصر حجر یکسان عمل می‌کند چون یونگ ساختار روان‌ناخودآگاه همه افراد بشر را یکسان می‌داند.^{۱۷} علاوه بر اصل یونگ به اعتقاد نگارنده چون مدت کشیده شدن تصاویر بر روی دیوارها و سنگ مزارها با امکانات آن زمان روزها و هفته‌ها به طول می‌انجامیده است بر اساس تحقیقات فراروانشناسی جدید بر روی هر موضوعی که تمرکز بیشتری صورت گیرد آن فکر با قدرت فرستندگی بیشتری از مغز افراد به صورت تله‌پاتی انتشار می‌یابد و امکان دریافت آن برای دیگر

پانویسها:

- 1- Erich Van Daniken
- 2- Tardion
- 3- Luxon
- 4- Tachion
- 5- Archaeology, Chemistry and Seeto past
- 6- Prof. Dr. Joseph Ridrer
- 7- jacques Monod
- 8- Prof. Carl Sagan
- 9- Exobiology
- 10- Oswald O. Tobisch

۱۱- دنیکن در مورد این دانشمند چنین می‌گوید: اسوالد توبیش در سی سال پیش ۶۰۰۰ تصویر را که از بسیاری جهات دارای مفاهیم و مضامین یکسانی بودند و در نقاط مختلف جهان ترسیم شده بودند جمع‌آوری نموده است. البته کل این تصاویر به گفته دنیکن به میلیونها مورد می‌رسد.

۱۲- برای مطالعه بیشتر به فصل آخر کتاب یونگ انسان و سمبولهایش مراجعه کنید.

۱۳- برای اطلاع از این اصل به کتاب پدیدمهای روحی و روانی زاک مارتین ترجمه دکتر رضا جمالیان مراجعه نمایید.

۱۴- مقدمه کتاب‌های علمی تخیلی انتشارات شقایق.